

## بررسی و نقد مبانی نظریه انقلاب‌های اجتماعی اسکاچپل

\* مهدی طلهری

\*\* عبدالحسین خسروپناه

### چکیده

لسکاچپل، وقوع انقلاب‌های اجتماعی را ناشی از ساختارهای داخلی و بین‌المللی می‌داند و درصدد نفی حضور رهبری، نفی ایدئولوژی انقلابی و نفی ذهنیت هدفمند از ابتدای انقلاب است و بر این جمله تأکید می‌کند که انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند بلکه آنها می‌آیند. این مقاله با بررسی مبانی مورد توجه این نظریه پرداز در پی اثبات این مطلب است که تفکرات در مبانی موجب تغییر در اصل نظریه خواهد شد. آنچه در این مقاله مورد بررسی است مبانی معرفت‌شناختی هستی‌شناختی انسان‌شناختی مبانی دین‌شناختی مبانی فلسفه اجتماعی و روش‌شناسی است که با تغییر این مبانی و جایگزینی مبانی اسلامی اصل نظریه نیز تغییر خواهد یافت.

### واژگان کلیدی

انقلاب اجتماعی، انقلاب سیلندی، نوسازی پرشتاب، ساختار، مبانی

foad-mt@yahoo.com

akhosropanah@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۰/۳/۲۰

\*. کارشناسی ارشد علوم سیاسی مؤسسه امام خمینی.

\*\* دشنیاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۲۰

## مقدمه

«ولتها و انقلابهای اجتماعی»<sup>۱</sup> کتابی است که لسکاچپل در آن به تبیین نظریه خود در مورد انقلابهای اجتماعی می‌پردازد و در فصل اول کتاب می‌کوشد تا بر اساس نظریه‌های ارائه شده، تصویر روشنی از ویژگی‌های انقلاب و مشکلات و مسائلی آن به‌خونده ارائه کند و فصل‌های بعدی کتاب درحقیقت پشتوانه استدلالی مسائلی است که در فصل اول مطرح شده است.

لسکاچپل با تفکیک بین «انقلاب سیلسی» و «انقلاب اجتماعی» بیان می‌کند که یک انقلاب سیلسی با تغییر حکومت، بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است. همچنین، منازعات طبقاتی و هفتانی نقشی در آن ندارد هر چند انقلابهای اجتماعی که با شورش‌های طبقات پایین شروع می‌شوند، بسیار سریع بوده و باعث نگرگونی‌های ریشه‌ای در ساختار طبقاتی و اجتماعی می‌شوند (لسکاچپل، ۳۷۶: ۱؛ ۲۱) لسکاچپل با سنخ‌شناسی نظریات مطرح درباره انقلابها در جمع‌بندی، به این نتیجه می‌رسد که ابتدا تغییرات در نظامهای اجتماعی یا جوامع، سبب نارضایتی اجتماعی و بسیج عمومی می‌شود سپس جنبش‌های تو‌دهای به‌کمک اینتولوژی سازمان‌های وابسته به‌صورت آگاهانه، نسبت به‌سرنوشتی رژیم حاکم اقدام می‌کند و پس از درگیری و سرانجام، پیروزی، برنامه‌های خود را به‌صورت اجرا می‌گذارد (همان: ۳۲)

این مطالب چیزی نیست که بتواند نظر لسکاچپل را تأمین کند، از این‌رو، ایشان به‌نقد نه‌نیت هفمنند می‌پردازد و بر این امر تأکید دارد که انقلابها نتیجه جنبش‌های هدایت‌شده با اهداف معلوم و شناخته‌شده نیستند. ایشان ضمن تأکید بر نقش ساختارها در شکل‌گیری انقلاب معتقد است که در انقلابهای تاریخی، گروه‌های مختلف با انگیزه‌های متفاوت، در تنازعات چندگانه و پیچیده شرکت دارند. این منازعات، در شرایط اقتصادی - اجتماعی و بین‌المللی موجود شکل می‌گیرد و طبقه خاص یا گروه مشخصی آنها را کنترل نمی‌کند. همچنین تملی‌په‌های انقلاب نیز به‌طور طبیعی با هیچ‌یک از گروه‌های دیگر قابل پیش‌بینی نیست. (همان: ۳۵)

۱. States and Social Revolutions.

لسکاچیل، انقلاب‌ها را محصول اراده و فکر انسان‌ها نمی‌داند، بلکه به‌صورتی جبرگر ایانه آنها را معلول ساختارهای خارج از قدرت انسان به‌شمار می‌آورد ایشان می‌گوید:

بنظر من انقلاب‌های اجتماعی توسط نهضت‌های انقلابی حقیقی‌ای که در آنها یک رهبری ایدئولوژی‌ی حمایت توده‌ای را برای خلع ید از یک نظام موجود تحت عنوان یک جنبش جدید جلب کند، به نتیجه نرسیده‌اند. به‌خوبی روشن است که رهبران انقلابی معمولاً تا هنگام فروپاشی یا اصلاً حضور نداشته‌اند و یا شخصیت سیلسی‌حلیس‌های بوده‌اند و گروه‌های مرده‌ی به‌ویژه دهقانان، از طریق شورش، در دگرگونی‌های انقلابی برای رسیدن به آرمان‌های خاص و اهداف خود که مورد حمایت رهبران انقلابی قرار گرفته مشارکت نموده‌اند. (لسکاچیل، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

بمهر حال، لسکاچیل با نفی ذهنیت هدفمند و بیان این جمله «وندل فیلیپس»<sup>۱</sup> که «انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند، بلکه آنها می‌آیند»، بر قیق بودن و صحت آن تأکید کرده و می‌نویسد:

ذهنیت هدفمند تنها یک‌دفعه‌ی درباره فرایند و پیمانه‌های انقلاب‌های تاریخی و بروز آنهاست. (لسکاچیل، ۳۷۶: ۳۵)

## تبیین انقلاب‌های اجتماعی

به‌نظر لسکاچیل، وقوع انقلاب معلول عوامل متعدد در ساختارهای بین‌المللی و داخلی است.

### ۱. ساختارهای بین‌المللی

در میان عواملی که در ساختارهای بین‌المللی، زمینه‌ساز وقوع انقلاب‌ها می‌شوند، دو عامل نقشی پررنگ دارند؛ یکی، ارتباطات فراملی کشورها با یک‌دیگر و دیگری، روند توسعه و نوسازی است. ایشان معتقد است که ارتباطات فراملی در پیدایش همه بحران‌های انقلاب‌های اجتماعی سهم دارند و به‌طور ثابت به تعارض و پیمانه‌های انقلابی کمک کرده‌اند. آغاز و انجام تمام انقلاب‌ها در جوامع مدرن می‌بایست در ارتباطی نزدیک با نابرابری‌های بین‌المللی ناشی از توسعه اقتصادی و سرمایه‌داری و در مقیاس جهانی در قالب دولت - ملت

۱. Wendel Philips.

یده شود توسعه روابط اقتصادی بین‌المللی از نظر تاریخی تأثیر فراوان و انکارناپذیری بر توسعه اقتصادی داشته است. (همان: ۳۸ - ۳۶)

از سوی دیگر، بیان می‌دارد که ارتباط کشورها با کشورهای دیگر با انقلاب‌های اجتماعی، امری اجتناب‌ناپذیر است. رقابت‌های تاریخی میان کشورها، در ساختار طبقات اجتماعی کشورهای متأثر از انقلاب اجتماعی اثر مستقیم داشته است. روابط میان کشورها تأثیر چشمگیری در روند انقلاب‌های اجتماعی داشته و بیشتر انقلاب‌های نوین اجتماعی، در کشورهایی به وقوع پیوسته که از نظر موقعیت بین‌المللی، در محرومیت بسر می‌برند ایشان در تحلیل پایانی، به این جمع‌بندی می‌رسد که انقلاب‌های اجتماعی نه تنها تحت تأثیر سیاست بین‌الملل هستند، بلکه بر اقتصاد جهانی و نظام‌های تازه تأسیس حکومتی نیز اثر گذارند (همان: ۴۱ و ۴۲)

توجه به این نکته لازم است که لسکاچیل، روند توسعه و نوسازی پرشتاب را تنها عامل انقلاب به‌شمار نمی‌آورد و بر این امر تأکید می‌کند که آن هسته از نظریه پرولتری که اهامی‌کنند روند نوسازی پرشتاب، به‌تنهایی مولد انقلاب است، اشتباه می‌کنند (لسکاچیل، ۳۷۹: ۱۹۸) وی معتقد است که توسعه طبقه پایین مشارکت‌کننده در انقلاب، بدون وجود سازمان‌های گروهی مستقل و منابعی که کوشش‌های خود را به‌کار گیرند، نمی‌تواند نارضایتی خود را به‌کنش سیاسی مؤثری مبدل سازند. (همان: ۱۸۷) با توجه به این بیان لسکاچیل، می‌توان دریافت که ایشان، همچنان بر نقش ساختاری عوامل بین‌المللی تأکید داشته و ارتباطات فراملی و روند توسعه و نوسازی را تنها، از عوامل تکمیل‌کننده این ساختار می‌داند

## ۲. ساختارهای داخلی

بُعد دیگری که تکمیل‌کننده نظریه لسکاچیل به‌شمار می‌آید، ساختار داخلی و تحولات موجود درون یک نظام است. ایشان این عوامل را در چند مورد بررسی می‌کند:

### یک. ساختار دولت

انقلاب اجتماعی و تغییرات ناشی از آن، تنها زمانی معنی و مفهوم دارد که ما حکومت را به‌عنوان یک ساختار نگاه کنیم. حکومت، دیگر به‌عنوان محلی برای درگیری اقتصادی - اجتماعی به‌حساب نمی‌آید، بلکه بیشتر، مجموعه‌ای از نهادهای نظامی و سیاسی هم‌هنگام است که

به دست مجریان به کار گرفته می‌شود (لسکاچیل، ۳۷۶: ۱؛ ۴۸) علت اصلی بروز انقلاب‌های اجتماعی، در واقعیت ساختار و سازمان‌های دولتی نهفته است. چراکه موقعیت این سازمان‌ها با توسعه اقتصادی، طبقات اجتماعی و همچنین شرایط بین‌المللی قابل تغییر و تحول است. دولت سلسله‌ای دارای چهره‌ی نوگانه است که یکی، ساختار طبقاتی اقتصادی و اجتماعی و دیگری، چهره‌ی بین‌المللی آن است. (همان: ۵۱)

#### دو. ساختار نخبگان

در نظریه لسکاچیل، ساختار نخبگان از گروه تشکیل شده که هر کدام سهمی در شکل‌گیری انقلاب‌های اجتماعی دارند. گروه اول، نخبگانی هستند که درون نظام موجود قرار دارند و از بهر همنندان و صاحب‌منصبان این نظمند. در این گروه شاید بتوان از اشراف، ملاکین بزرگ و کسانی که از دستگاه سلطنتی بر ای‌الله حیانت‌های می‌کنند نام برد. این گروه همان کسانی هستند که در صورت نارضایتی، از اداره امور سر باز زدند که این نارضایتی به بحران سیلسی دولت می‌رسد.

گروه دوم، نخبگانی هستند که لسکاچیل به صورت روشن‌تر از آنها با عنوان نخبگان حاشیه‌ای یا دولت‌سازان آینده یا دمی‌کند. این نخبگان شامل گروه‌های تحصیل‌کرده علاقمند و خولهان فعالیت‌ها و مشاغل دولتی هستند. آنها متخصصانی هستند که به علت وابسته نبودن به طبقه اشراف یا ارتباط نداشتن با طبقات بالا یا نداشتن ثروت، از ارتقا به موقعیت بالاتری در حکومت یا جامعه محروم مانده‌اند (لسکاچیل، ۳۷۹: ۱؛ ۱۶۴)

#### سه. ساختار اجتماعی دهقانان

یکی از عوامل مهم در تبیین انقلاب‌های اجتماعی، توجه به ساختار اجتماعی دهقانان یا به عبارت دیگر، ساختار لفظی روستاست. در برخی مناطق، که کل یک روستا به عنوان یک واحد تولیدی که خان، مسئول آن است، به نوعی از استقلال نسبی روستایی کلهد. در چنین ساختاری است که دهقانان به خوبی درمی‌یابند که خان، دشمن مشترکشان است و این وضع، زمینه را برای شکل‌گیری شورشی دهقانی فراهم می‌کند. (همان: ۱۶۳ - ۱۶۱)

لسکاچیل ضمن تبیین شورش‌های دهقانی، نظریه کسانی را رد می‌کند که بر این‌تئولوژی و

نیز محرومیت نسبی کنشگران تأکید دارند. نظر او این است که عوامل تعیین کننده در شورش‌های هقانی، عوامل ساختاری و موقعیتی هستند. همچنین درجه همبستگی اجتماعات روستایی، درجه آزادی هقنانان از نظارت و سرپرستی مستقیم و روزانه اربابها و گماشتگان آنها و سرانجام، سست شدن اعمال زور دولت، علیه روستاییان را از جمله این عوامل ساختاری می‌شمارد (ریترز، ۳۸۲: ۱، ۲۵۵)

### نشانه‌های شکل‌گیری انقلاب

به نظر لسکاچیل، بر اساس ساختارهای داخلی و بین‌المللی و شرایط موجود در جامعه، آنچه از به‌وجود آمدن انقلاب خبر می‌دهد و آنرا تسهیل می‌کند، سه اتفاق است:

#### ۱. بحران سیاسی دولت

درگیری‌های به‌وجود آمده بین زمین‌داران بزرگ که به‌عنوان ثروتمندان جامعه به‌شمار می‌آیند و دستگاه سلطنت، کار را به‌بحران سیاسی دولت می‌کشاند؛ چرا که قبل از وقوع انقلاب و بحران‌های موجود زمین‌داران بزرگ و دستگاه سلطنت از عوامل عمده کنترل فسادگر و ههای اجتماعی زیر دست خود (کشاورزان) بودند. این در حالی است که در کنترل نیروی انسانی و کشاورزان و در مجموع، در اقتصاد کشاورزی رقیب یکدیگر بودند. این امر به‌تعارض و تضاد منافع آنها منجر و سبب بروز بحران‌ها و درگیری‌هایی می‌شود که دولت را به‌بحران سیاسی می‌کشاند و در نهایت به‌نابودی تشکیلات حکومتی دچار می‌شود (لسکاچیل، ۳۷۶: ۱، ۶۵ و ۶۶) به‌عقیده لسکاچیل، تمام کسانی که درباره انقلاب مطالبی نوشته‌اند، می‌دانند که انقلاب‌های اجتماعی با بحران‌های سیاسی آشکار آغاز می‌شود. بر همگان روشن است که انقلاب‌های اجتماعی از طریق درگیری احزاب سیاسی و انجمن‌های بانفوذ شکل می‌گیرد. دو هیچ‌کس نمی‌تواند وضعیت جنبه‌های سیاسی انقلاب اجتماعی را انکار کند (لسکاچیل، ۳۷۶: ۱، ۴۳)

#### ۲. شورش از پایین

لسکاچیل معتقد است که عوامل بنیادین در تبیین شورش‌های روستایی عبارتند از:

الف) لگوی نهادهای رابطه هقانان با یکدیگر، با ابزارها و زمین‌هایشان در روستا؛

ب) لگوی نهادهای رابطه هقانان با مالکان؛

ج) توانایی یا ناتوانی دولت در فروروشاندن شورش‌ها.

او درخصوص شورش‌ها و اعتصاب‌های شهری نیز بر این باور است که شورش‌هایی که در مناطق شهری صورت می‌گیرد در انقلاب‌های اجتماعی نقش مهمی داشته‌اند، ولی در مقایسه با شورش‌های هقانی از اهمیت کمتری برخوردار هستند. در مقابل، هرچند به شورش‌های روستایی نسبت به عوامل دیگر، کمتر توجه شده است، ولی این شورش‌ها در کلیه انقلاب‌های اجتماعی که در گذشته رخ داده نقش مهمی داشته‌اند.

### ۳. مشارکت نخبگان حاشیه‌ای

همان‌طور که در بحث ساختار نخبگان بیان شده، لسکاچ‌پل نخبگان را به دو گروه تقسیم می‌کند، یکی، نخبگان درون حاکمیت و دیگری، نخبگان حاشیه‌ای که انقلاب‌سازان آینده به‌شمار می‌آیند. هر چند نخبگان گروه اول به دلیل شرایط به‌وجود آمده درون حاکمیت، رضایت چندانی از وضع موجود ندارند، اما به‌نظر می‌رسد که نخبگان حاشیه‌ای نقش سلسله‌تری در هدایت توهم‌ها به‌عهده خواهند داشت.

از این‌رو، این نخبگان به‌سبب دیدگاه ملی خود می‌توانند جنبش‌های محلی هقانی را در سطح ملی، سازمان دهند و با سقوط رژیم حاکم، از جمله دولت‌سازان رژیم جدید باشند. در بیشتر موارد در جوامع کشاورزی، نخبگان حاشیه‌ای به‌اندازه‌ای ناراضی بودند که درصد بسیار کمی از سازماندهی توهم‌ها در انقلاب‌های اجتماعی، برآمده و در دوران انقلاب به‌سازماندهی و یکپارچه کردن قدرت حکومتی پرداخته‌اند. از نظر لسکاچ‌پل به‌محض اینکه بحران‌های انقلابی که در اثر فشارهای بین‌المللی و شورش‌های روستایی ایجاد شده‌اند، رژیم پیشین را فلج کنند، نخبگان حاشیه‌ای دست به‌تصرف قدرت و دستگاه‌های دولتی می‌زنند و سازمان جدیدی را با ثبات بیشتر اقتصادی بنا می‌کنند. (لسکاچ‌پل، ۱۳۷۹: ۱۶۴ و ۱۶۵)

به‌عقیده لسکاچ‌پل، جمع این سه شرط، خبر از آمدن انقلاب می‌دهد. انقلاب ربطی به تصمیم آگاهانه فرادیاگروه‌ها ندارد و این، تلاقی تصافی شروط مذکور است که انقلاب‌ها را به دنبال

خودمی آورد انقلابها ساخته نمی‌شوند، انقلابها می‌آیند. بهر حال، وی باردارا هیوند انقلاب، تفسیر انقلاب اجتماعی را تنها، مبتنی بر عوامل ساختاری و از پیش تعیین شده می‌داند و در وقوع انقلاب، نقش انقلابیان در گسترش ایندولوژی خود را انکار می‌کند.

### بررسی سه انقلاب

لسکاچپل که در تحقیق خود در استفاده از روش مقایسه‌ای - تاریخی تأکید دارد تلاش می‌کند تا وقایع و ساختار داخلی انقلابها را با در نظر گرفتن حکومت و دولت، ارزیابی و تحلیل کند. ایشان در بررسی تطبیقی خود دهه‌کشور روسیه، فرانسه و چین را بررسی می‌کند و علت انتخاب این سه کشور را در این دو جنبه‌های اساسی و نسبتاً ثروتمند و زیر سلطه حکومت‌های قدرتمند سلطنتی و نبودن هیچ‌کدام زیر سلطه کشورهای استعمارگر می‌داند. از سوی دیگر، این کشورها دارای تشکیلات هیوانسالار متمرکز بود که یک‌بار خود را در صحنه بین‌المللی با رقابت شدید نظمی روبه‌رو دیدند. در این شرایط، در هر سه کشور سه‌جران اصلی و سلسلی ذکر شده به‌وجود آمد.

بحران‌های انقلابی هنگامی رشد کرد که نظام‌های حکومتی وقت، به‌تطبیق تحولات فزاینده بین‌المللی در خارج از مرزها و همچنین رقابت شدید با همسایگان توسعه‌یافته خود قادر نبودند. از این‌رو، گرفتاری‌های حاصل از فشارهای نظام طبقاتی داخلی و تحولات اجتماعی بین‌المللی، همه و همه باعث شدند پایه‌های نظام حقوقی و ارتش حلی آن متلاشی شود. دو راه برای تحولات انقلاب که از طبقات پایین جامعه نشئت گرفته بود هموار شود. بنا بر این، نتیجه انقلاب در هر سه کشور، روی کار آمدن نظمی متمرکز و مرهی و بالقوه مقتدر، برای حضور در صحنه رقابت‌های بین‌المللی بود. دو به‌زودی موانع قدرتمند، متشکل از اشراف و فئودال‌ها از صحنه قدرت بیرون رانده شدند و زمین‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، آن‌هم با استفاده از نیروهای عظیم مرهی فراهم شد. (لسکاچپل، ۳۷۶: ۶۵ - ۶۰)

### مبانی، روش و پیش‌فرض‌ها

وقوع انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از نظریه‌های انقلاب را آسیب‌پذیر کرد. دهه از جمله نظریه



لسکاچیل بود ایشان در مورد وقوع انقلاب ایران می‌نویسند:

سقوط شاه ایران و به‌راه افتادن انقلاب ایران بین سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۷، باعث تعجب ناگهانی ناظران خارجی از دوستان آمریکایی شاه گرفته تا روزنامه‌نگاران و متخصصین سیلسی و متخصصین علوم اجتمالی از جمله افرادی مثل من که متخصص مسایل انقلاب هستیم، گردید. (لسکاچیل، ۳۷۹: ۱۸۵)

او در ادامه می‌نویسد:

مراحل اولیه انقلاب ایران، مشخصاً نظرات قبلی من در مورد موجبات انقلاب اجتمالی را زیر سؤال برد. (همان: ۱۸۸)

با وجود اینکه ایشان در نظریه خود در نفی نهییت هفتمند تأکید داشت، در مقاله‌اش با عنوان «حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران»<sup>۱</sup> می‌نویسند:

اگر بتوان گفت که یک انقلاب، در دنیا وجود داشته که آنگاه به توسط یکنهضت اجتمالی توده‌ای ساخته شده است تا نظام پیشین را سرنگون سازد به‌طور قطع آن انقلاب، انقلاب ایران علیه شاه است. (همان: ۱۸۹)

آنچه اکنون در پی آنیم، نقد نظریه لسکاچیل نمی‌باشد، بلکه بیان این مطلب است که چه عواملی سبب می‌شود که انقلاب ایران در قالب این نظریه ننگ‌جود و برخی مبانی آن را به‌چالش بکشد و چه امری موجب شده است که لسکاچیل به این امر اعتراف کند که باید به‌فهم خود داز وقوع انقلاب‌ها عمق بیشتری بخشد و بیان کند که:

این انقلاب قبل توجه مرا و ادار می‌سازد تا به‌درک خود در قبال نقش بالقوه و محتمل سیستم‌های عقاید و ادراک‌های فرهنگی در شکل‌بخشیدن به کنش‌های سیلسی عمق و وسعت بیشتری ببخشم. (همان: ۱۹۱)

به‌نظر می‌رسد در ارزیابی این مطلب باید به این نکته توجه داشت که در شکل‌گیری یک نظریه، مسایلی سلسلی دخالت‌دار که نوع نگاه به آن مسایل در شکل‌های و نتیجه‌بخشی نظریه، تأثیر فراوان‌دارد یکی از این مسایل، مبانی و پیش‌فرض‌هایی است که نظریه، بر آن

---

۱. Rentier State and Shia Islam in the Iranian Revolution.

مبثنی شده است. عمده نظریه‌هایی که خلیستگاه آن مغرب‌زمین است، به لیل تفاوت‌هایی که در مبانی و پیش‌فرض‌ها با نظریه‌های بومی بمعنای اسلامی - ایرانی دارند، به صورت طبیعی در برارنده یک نتیجه نیستند و تفاوت‌های اجمالی و گلهی تعارض‌هایی را نیز دربر خواهند داشت. به گونه‌ای که یک نظریه در خلیستگاه بومی خود دکارآمد و نتیجه‌بخش است، اما با پانندان در سرزمین اندیشه‌ای که با زیست‌نوم اندیشه‌ای آن سازگار نیست، دچار مشکل شده و اشکالات آن به طور آشکار پدیدار می‌شود

نظریه لسکاچیل نیز به همین لیل اشکال‌هایی در دکه نمی‌تواند منطبق با مبانی و پیش‌فرض‌های بومی و اسلامی و همچنین بسترهای موجود برای شکل‌گیری یک انقلاب در چین سرزمینی باشد. از این روی، هر چند لساس نظریه ایشان در بررسی تطبیقی خود از انقلاب‌های چین، روسیه و فرانسه به نتایجی دست یافته است، اما این نظریه در انقلاب اسلامی ایران دچار مشکل گردیده و خودنویسنده نیز به این امر اعتراف می‌کند. به نظر می‌رسد آنچه موجب ناکارآمدی این نظریه در تحلیل وقوع انقلاب اسلامی ایران می‌شود، قزون بر تفاوت در مبانی و پیش‌فرض‌های نویسنده، به بسترهای متفاوت جوامع در بررسی ایشان با جلمه ایران اسلامی مرتبط است.

رسالت این نوشتار آن است که پس از تبیین نظریه، به کشف مبانی و پیش‌فرض‌ها و همچنین روش‌شناسی این نظریه بپردازد. دو این موضوع را ارزیابی کند که چگونه با تعبیر این مبانی، کلیت نظریه آسیب‌پذیر شده است. هر چند بررسی پیش‌فرض‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لکن در این مقاله نخواهد گنجید و تنها مبانی نظریه، مورد بحث خواهد بود

#### ۱. مبانی معرفت‌شناختی

در مبانی معرفت‌شناختی اسلامی، اصل بر امکان شناخت و نفی شکاکیت و نسبی‌گرایی معرفتی است. در این روش معرفت‌شناسانه، ملاک صدق گزاره‌ها، مطابقت با واقع است. از این روی، روش‌های معرفت‌شناسانه، چند مبنا وجود دارد مبنای اول «انسجام‌روی» است.

انسجام‌گرایان<sup>۱</sup> معتقدند اگر باور یا قضیه‌ای با باورهای ماهم‌هنگ و سازگار باشد، اعتقاد بدان باور، موّجه است. بدین ترتیب، انسجام<sup>۲</sup> معیار موّجه و صادق بودن باوره‌ست. (حسین‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۷) طرفداران مبنای نوم که «مبنای‌گرایی» نام دارد بر این باورند که معرفت‌های انسان شامل معرفت‌های حضوری و حصولی است. از آنجا که معرفت حضوری بی‌واسطه درک می‌شود و خطاناپذیر است، اگر در مورد آنها خطایی متصور باشد، مربوط به تحلیل و تفسیرهای این‌گونه علوم است. معرفت‌های حصولی به دو قسم بدیهی و نظری تقسیم می‌شوند. قسم اول از این علوم، خطاناپذیر و یقینی‌اند و ملاک ارزیابی معرفت‌های نظری نیز قرار می‌گیرند. از این‌رو، معرفت‌های نظری یقینی انسان بر بدیهیات بنا شده است و بدیهیات، پایه و مبنای آن‌هست. (حسین‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۱ و ۶۲)

با توجه به این مبانی، در بررسی نظریه انقلاب‌های اجتماعی لسکاچیل که بر اساس روش مطالعه تطبیقی - تاریخی و با تأکید بر روش ساختارگرایی و بیان اهمیت ساختارها در تحولات اجتماعی به تبیین این نظریه می‌پردازد می‌توان دریافت که ایشان در مبنای معرفت‌شناختی «انسجام‌گرایی» است. بر اساس نظریه انسجام‌گرایی می‌توان گفت که لسکاچیل ساختارها و ویژگی‌های جامعه در آستانه انقلاب از جمله وجود دوله کشاورزی، حکومت‌های مطلقه، سقوط مشروطه، گرایش‌های لیبرالی یا کمونیستی و تهاجم سرمایه‌های بین‌المللی و ... را بمنزله تارهای عنکبوتی در نظر می‌گیرد که هیچ‌کدام پایه و اساس ندارد.

بر اساس این نظریه در انقلاب‌های اجتماعی، هر کدام از شرایط موجود که خبر از آمدن انقلاب می‌دهد، خود به تنهایی، بمنزله تار است که وقوع انقلاب را آسان می‌کند که نیاز به پایه یا شرط سلسلی خاصی برای وقوع انقلاب ندارد. لسکاچیل معتقد است در انقلاب‌های تاریخی، گروه‌های مختلف با انگیزه‌های متفاوت در تنازعات چندگانه و پیچیده شرکت دارند. منازعات مذکور، با شرایط اقتصادی - اجتماعی و بین‌المللی شکل می‌گیرد و طبقه خاص یا گروه مشخصی آنها را کنترل نمی‌کند. (لسکاچیل، ۱۳۷۶: ۳۵)

۱. Coherentists.

۲. Coherence.

به صورت طبیعی، اشکالاتی که بر نظریه انسجام‌گرایی وارد است، بر این نظریه لسکاچیل نیز وارد خواهد بود از جمله اینکه به چه دلیل، معیار صدق یا ملاک موجه بودن باورها یا قضایا «انسجام» است و از چه راهی به این معیار دست یافته‌اید اگر انسجام، معیار صدق و حقیقت است، باید هر فسانه هم‌لحنی که اجزای آن منسجم‌اند همچون یک نظریه فلسفی یا فیزیکی یا ریاضی، حقیقی تلقی شوند و اگر گفته شود که منظور، هم‌لحنی آن با قضایا و فکاری است که تجربه آن را تأیید کرده است، روشن می‌شود که اشکال و اعتراف به این است که صرف انسجام، کافی نیست و معیار دیگری به نام تجربه لازم است. (حسین‌زاده، ۱۳۸۵ الف ۶۸)

فزون‌تر اینکه تجربه<sup>۱</sup> نیز نمی‌تواند معیاری برای ارزیابی گزاره‌های همه علوم باشد و تنها در علوم طبیعی و آزمون‌پذیر، آن‌هم فقط در موارد آزمون‌شده، مورد پذیرش است. این در حالی است که در علوم اجتماعی و انسانی، صرف تجربی بودن یک رخداد نمی‌تواند دلیل صحت آن باشد، به خصوص نمی‌توان حکم به تکرار آن در موارد مشابه کرد به همین دلیل، انقلاب اسلامی ایران به رغم اینکه به نظر لسکاچیل یک انقلاب اجتماعی است، نه تنها در چارچوب نظریه ساختاری و انسجام‌گرایی لسکاچیل نمی‌گنجد، بلکه کلیت آن را نیز دچار مشکل می‌کند. بر اساس نظریه انسجام‌گرایی لسکاچیل، شرایط یک انقلاب برای کشور ایران مهیا نبود این در حالی است که بر اساس مبنای معرفت‌شناختی «میناگری»، شرایط برای وقوع یک انقلاب شیعی در ایران فراهم بود بر اساس این مبنای، اگر چه شیعه در طول حیاتش در دوره‌های مختلف در غالب مفهیمی همچون تقیه، موجودیتش را حفظ کرده است، اما وجود مفهیمی همچون امر بمعروف و نهی از منکر، جهاد و جهت‌بیزی و دفاع از مبنای و اصول اسلام، دیرینه تقیه را محدود ساخته و شیعه را به اقدام عملی وادار می‌کند. بنابراین، نارضایتی و خشم از وضع موجود و آرمان وضع مطلوب آنگاه که در کنار حس پر خاشگری و جهت‌بیزی قرار گیرد به تحولی در راستای نفی وضع موجود و جایگزینی وضعیت مطلوب منجر خواهد شد. در این میان، محرک اصلی، مکتبی است که این اندیشه بر اساس آن شکل گرفته است.

۱. لستقراي ناقص.

## ۲. مبانی هستی‌شناختی

دروغ، مبانی هستی‌شناختی یک نظریه، نشان‌دهنده نوع نگاه نظریه‌پرلز به علم هستی و رخداد‌های آن است. بر اساس مبانی هستی‌شناختی اسلامی، در وراي تملی رخداد‌های علم هستی، عوامل متعددی و مجرد دو جو د لر دکه هر کدام به‌گونه‌ای خاص در علم هستی اثر گذارند. در هستی‌شناختی اسلامی چگونگی تأثیر گذاری علت بر معلول و نیازمندی معلول به علت، همواره به یک صورت نیست. از این رو، علت، قسام متعددی همچون علت حقیقی، اعدای، مای، صوری، غیبی و فاعلی لر دکه سلسله همه علت‌های ممکن، به‌واجب لوجو د ختم می‌شو دو شانی از شئون او و عین تعلق، فقر و ربط حقیقی به او هستند. (خسر ویناه، ۳۸۹: ۲)

با توجه به مبانی هستی‌شناختی اسلامی، توجه به این مهم لازم می‌آید که در بررسی عوامل وقوع هر پدیده‌ای در علم، تنها نمی‌توان به برخی از علل و عوامل تحقق این پدیده که گاه تنها به عنوان علت اعدای به‌شمار می‌آیند، توجه کرد و از سایر علت‌ها و شرایط وقوع آنها غفلت کرد. پدیده‌های اجتماعی همچون انقلاب‌ها نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در وراي عوامل ظهري این انقلاب‌ها، معرفت هستی‌شناسانه فرادجمعه و نوع نگاه آنها به علم هستی نیز از عوامل مهم تحقق چنین رخداد‌های اجتماعی و وقوع، علت حقیقی آنهاست.

از این روی، در بررسی نظریه انقلاب‌های اجتماعی لسکاچیل و همچنین نوع نگاه ایشان در مقاله «حکومت تحصیل‌لر و سلام شیعی در انقلاب ایران»، می‌توان دریافت که صرف نگاه ماه‌گرایانه به انقلاب‌های سه‌گانه، در کتاب انقلاب‌های اجتماعی بررسی می‌شو دو البته چنین نگه‌ی در انقلاب اسلامی ایران در مقاله اخیر، سبب غفلت نظریه‌پرلز از دیگر عوامل و شرایط شده است. این نظریه‌پرلز در تحقیق اول خود با بررسی سه انقلاب روسیه، فرانسه و چین تنها به بررسی عوامل ساختاری پرداخته و عواملی همچون ارتباطات فرملی کشورها و توسعه و نوسازی را از یکسو، و ساختار دولت، نخبگان و هئتانان را از سوی دیگر، به عنوان عوامل وقوع انقلاب برمی‌شمار دو نقش اعتقادات و رهبری هدفمند در تحقق این انقلاب‌ها را انکار می‌کند. مقاله حکومت تحصیل‌لر ایشان نیز که به تحلیل انقلاب اسلامی پرداخته است، از نگاه

---

۱. Rentier State and Shia Islam in the Iranian Revolution.

ما ده‌گر یانه بی‌پهره نمانده است. اگر چه ایشان در این مقاله به‌نقش اسلام شیعی در انقلاب اسلامی اشاره کرد و بیان می‌کند که اسلام شیعه، هم از نظر سازمانی و هم از نظر فرهنگی، برای ایجاد انقلاب ایران علیه شاه، نقش حیاتی بر عهده داشت. (لسکاچیل، ۳۷۹: ۱، ۲۰۵) و البته به دلیل نتوانی از ترک صحیح و عمیق آموزه‌های اندیشه سبلسی تشیع بیان می‌کرد که فرهنگ شیعه رنج و مصیبت کشیدن طولانی و یرپا، حتی در شرایط شکست یا مبارزه پلایان‌ناپذیر بر یک شمن شیطانی را توجیه می‌کند، ماهمچنان بر بر طشتها و تحلیل‌های ما ده‌گر یانه خویش تأکید داشته و در این تحلیل که به‌رغم فقدان موفقیت‌های نظمی در جنگ انقلابیان ایران با عراق و همچنین شورشیان لطلی و مشکلات قتصادی، چراضعف‌های عینی، منجر به تضعیف حکومت روحانیان در ایران نشده‌اند؟ بیان می‌کند که جمهوری اسلامی به‌شیوه اعجاب‌آوری از شرایط مساعد و مطلوب بین‌المللی، برخوردار بود و نوری از آمریکا به‌لحاظ جغرافیایی و رقابت این کشور با شوروی را دلیل ضعیف نبودن حکومت و بقای انقلاب اسلامی می‌دند (همان: ۲۱۵ و ۲۱۶)

این در حالی است که بر اساس مبانی هستی‌شناختی اسلامی، علت‌هایی را که لسکاچیل در تحلیل رخداد انقلاب اسلامی و آینده آن به‌کار برده است، بر فرض پذیرش، تنه‌امی‌توان به‌عنوان علت اعدای به‌شمار آورد چرا که علت حقیقی رخدادیک انقلاب اجتماعی از نوع انقلاب اسلامی ایران را بیشتر باید در علل و عوامل حقیقی و ریشه‌های اعتقادی آن ارزیابی و تحلیل کرد. در این اساس است که تأثیر اعتقاد به‌نصرت لهی<sup>۱</sup> کسانی که در رلستای اراده لهی در علم هستی‌گام برمی‌دارند، معنا و مفهوم می‌یابد بر اساس مبانی هستی‌شناختی اسلامی، کسانی که برای تأیید ین خدا و اعلائی کلمه حق گام بر دارند، مشمول نصرت خداوند<sup>۲</sup> خواهند شد. انقلاب اسلامی ایران نیز که الهه مسیر انبیای لهی است، بی‌شک، شمل این نصرت و وعده لهی شده و نمونه‌هایی چون ماجرای طبس و کوفای نوژه و ... شولهدی گویا بر این مدعاست.

۱. وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَ لِيُظْمِنَنَّ قُلُوبَكُمْ بِهِ وَ مَا النُّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ . (آل عمران: ۱۲۶)
۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يُذْهِبْ أَقْدَامَكُمْ. (محمد/ ۷)

بنابر این، روشن شد که تفاوت میانی هستی‌شناختی یک نظریه سبب تحول سلسلی و ارائه تحلیل متفاوت مسئله خواهد شد، از همین رو، تفاوت نگاه هستی‌شناسانه نتوانسته است به خوبی ماهیت انقلاب اسلامی ایران را در پایان قرن بیستم تحلیل کند و ابتدای نظریه بر میانی هستی‌شناسی ما ده‌گرایانه، این نظریه را به چالش کشانده است.

### ۳. مبانی انسان‌شناختی

مبنای انسان‌شناختی مور دپنیرش هر نظریه‌پر لژی، از مهم‌ترین و سلسلی‌ترین مباحث در شکل‌گیری و تکوین یک نظریه به‌شمار می‌آید. در واقع، انسان‌شناسی پایگلهی است که نظریه‌پر لژ، نظریه خو در بر آن مبتنی می‌سازد از این روی، غفلت از اهمیت موضوع و بر لثت اشتباه از مبنا سبب سستی و بی‌اعتباری نظریه خواهد شد به‌نظر می‌رسد این نظریه، به دلیل بر لثت نادرست از انسان و ماهیت او با چنین آسیبی روبه‌روست. بر اساس میانی انسان‌شناختی سلسلی، خداوند متعال، آفریننده انسان و جهان است. پس همه مخلوقات از جمله انسان و تملی فعلیت‌ها و هست‌آورهای او، هیچ سستقلالی نداشتند و در عین فقر و وابستگی به او هستند اگر انسان این مطلب را درک کند، چگونگی رفتارهای فرعی و اجتماعی در مسیر قرب به خداوند سبحان را می‌یابد. از سوی دیگر، انسان، برای استعدادهای متنوع و قابل‌رشدی است که می‌تواند آنها را با اختیار و اراده خویش بفعلیت برساند (خسر و پناه، ۳۸۹: ۹)

این درحلی است که لسکاچیل توجهی به اراده انسان‌ها و هفمندی عملشان نداشتند و معتقد است انقلاب به‌تصمیم آگلهانه فرادیاگروهها ارتباطی ندارد و نقش انقلابیان در گسترش اینولوژی خو درانیز انکار می‌کند. (لسکاچیل، ۳۷۶: ۳۵) دیدگاه این نظریه‌پر لژ به انسان، تنها به‌صورت بزاری مکانیکی است که در خدمت ساختارها و تحولات جمعه خویش یفای نقش می‌کند شاید مراد نظریه‌پر لژ این نیست که انسان، از نظر فلسفی برای قدرت انتخاب نبوده و موجودی مجبور است، بلکه به‌این معلست که انسان‌ها به‌گونه‌ای در ساختارهای اجتماعی غرق می‌شوند که از آن پس با اراده خو دانتخاب خواهند شد که پیلدهای ناشی از ساختار حاکم بر جمعه را بپنیرند. در این صورت نیز فرادجمعه به‌عنوان بزاری تلقی شده‌اند که ساختارهای اجتماعی عملی مؤثر در تصمیم‌گیری و انتخاب فرادبه‌شمار می‌روند و نقش تعقل و انتخاب

آگهانه فرد در این سیستم به پایین‌ترین حد خود رسیده است.

در نگاه انسان‌شناختی اسلامی، انسان مخلوق خداوند و عبد اوست و به دلیل برخورداری از ویژگی تعقل و انتخاب آگهانه، از دیگر موجودات متمایز می‌شود بر اساس اندیشهٔ هینی، انسان موجودی اجتماعی است. این ویژگی انسان، قزون پر اینکه او را از حقوق اجتماعی برخورداری می‌کند، به دلیل لزام رعایت حق و تکلیف ایشان را مکلف به وظایفی نیز کرده است.

در انسان‌شناسی هینی، نهنها انسان نسبت به مسایلی که در جمعهٔ او رخ می‌دهد دارای تکلیفی است، بلکه به دلیل انجام یا ترک هر عملی پاداش یا نكوهش می‌شود این در حالی است که بر اساس نفی اراده‌های انسانی در نظریات شبه‌جبرگرای ساختارگرایان، به دلیل اعتقاد بفقدان اختیار تام فرد نمی‌توان ایشان را مستحق عقاب یا پاداش دانست.

بنیان‌نهادن نظریهٔ انسان‌شناسی مبتنی بر عبویت و تکلیف، بر مبنای انتخاب آگهانه، نتایجی متفاوت از نتایج نظریهٔ لسکاچیل و باور ایشان دربارهٔ انسان‌های درون اجتماع به دست خواهد داد با توجه به اصل انسان‌شناسی اسلامی، انسان می‌تواند با بهره‌برداری از نیروی عقل خداوایی، بر نلمه‌های هفمند را به مقصد برساند.

به نظر می‌رسد آنچه این نظریه‌پرداز را از توجه به انسان و ارادهٔ او باز داشته، قزون بر توجه نداشتن به انسان و ملهیت او، نوع توجه به ارتباط عوامل ساختاری است که در اندیشهٔ ایشان منجر به وقوع انقلاب می‌شود حال آنکه می‌توان به عوامل ساختاری به عنوان زمینه‌های فراهم‌کنندهٔ یک انقلاب توجه داشت، لما نهنها نمی‌توان آنها را تنها عامل تعیین‌کننده به شمار آورد بلکه عواملی همچون، باورها و اعتقادات منبعث از اندیشه‌های هینی می‌تواند بر عوامل ساختاری تأثیر گذارده و متفاوت از جریان ساختاری جمعه عمل کرده و حتی ساختارهای موجود جمعه را دچار تغییر کند. بر این اساس، وقوع انقلاب اسلامی ایران شلهدی برای ظهور اراده‌های آگهانه و خارج از ساختار حاکم بر جمعهٔ عصر تحقق انقلاب است.

#### ۴. مبانی دین‌شناختی

بر اساس مبانی دین‌شناختی، اسلام، آخرین دین الهی و تکمیل‌کنندهٔ شرایع پیشین است. خداوند با شناخت نیازهای انسان، کامل‌ترین بر نلمه را برای هدایتشان تا روز قیامت ارائه کرده



ست. این اسلام برای سعادت واقعی انسان از جمعیت برخوردار بود و به‌عنوان گوناگون‌ها و آخرت، ماهی و معنوی، فردی و اجتماعی پر لخته که قلمرو آن در عرصه اعتقادات و احکام شرعی و ارزش‌های اخلاقی، حداکثری است. (خسر و پناه، ۳۸۹: ۷) بنابراین، اسلام جمع‌نگر برای تأکید بر ارتباط حقیقی بین دنیا و آخرت و آموزش‌های ناظر به بعدا گوناگون انسان، قزون بر تأمین سعادت اخروی با بهره‌گیری از معرفت‌های حسی و عقلی، به‌آبانه‌ها دنیا نیز می‌پردازد و با سکولاریسم سبسی، اقتضای، اجتماعی و معنوی که فعالیت این را در مورد فردی منحصر کرده، مخالفت می‌کند. بر اساس این مبانی اسلامی، به‌روشنی می‌توان دریافت که نوع نگاه این‌شناسانه چه تأثیری در شکل‌گیری نظریه خواهد داشت.

نگاه متفاوت لسکاچپل به این و تعمق نداشته‌ها در تأثیرات آموزش‌های اجتماعی این اسلام، نتوانسته ایشان را حتی در مقاله بعدی که سعی در اصلاح نظریه پیشین خود داشته، به‌درک صحیحی از ماهیت اسلام شیعی رهنمون سازد شاید این ناکلمی به دلیل ضعف پایگاه معرفتی این‌شناسی از یکسو و نحوه حضور این در جامعه زیست‌بوم وی از سوی دیگر باشد. مسیحیت پس از عصر نوزایش، به‌رور لمن خویش را از چهره اجتماعی غرب جمع کرده و سر در سایه فردیت خویش فرو برده است. به‌نظر می‌رسد لسکاچپل از همین پایگاه، به‌ارزیابی این و آموزش‌های اجتماعی اسلام پر لخته و حضور باورها و اعتقادات دینی در شکل‌گیری انقلاب را انکار می‌کند؛ او نه‌تنها جایگاهی برای فرهنگ و اینتولوژی در تحقق انقلاب‌های اجتماعی قایل نیست، بلکه حتی حضور رهبری انقلاب‌ها را نیز به‌صورت حاشیه‌ای و تحت شرایط و ساختارهای داخلی و بین‌المللی ارزیابی می‌کند. از این‌رو، بر اساس این پایگاه معرفتی و نوع نگاه به این، نتوانسته تحلیل صحیحی از آموزش‌هایی از قبیل قیام امام حسین (ع) را ارائه کند و چنین آموزش‌های دینی را به‌سطوره<sup>۱</sup> تقلیل داده است. (لسکاچپل، ۳۷۹: ۲۰۰)

ارزیابی قیام امام‌عبدالله الحسین (ع) به‌عنوان یک واقعیت تاریخی که جنبه‌های اجتماعی و فراتاریخی آن در شکل‌گیری وقایع فراتاریخی در طول تاریخ تشیع تأثیرگذار بوده است، به‌عنوان

۱. Myht.

لسطوره، جای بسی تأمل در ۵ چرکه نه لسطوره را توان چنین اثرگذاری عمیق در تاریخ است و نه از بین، تلقی غیرعقلانی و غیرمستدل که برخی در تعریف لسطوره انگاشته‌اند، داریم.<sup>۱</sup> قزوين بر اینکه در کنار وقایع تاریخی همچون قیام ابا عبد الله علیه السلام توجه به آموزه‌هایی مانند جهاد شهادت، امر بمعروف و نهی از منکر و ... در فرهنگ تشیع و البته باور مهدویت در پویایی و حرکت تشیع و شکل‌های انقلاب‌های شیعی از اهمیت ویژه برخوردار است.

بر این اساس، در تحلیل مبانی این شناختی می‌بایست به چند نکته توجه کرد اول اینکه این اسلام، تفاوت لسانی با مسیحیت تحریف‌شده در دکتته نوم آنکه، این اسلام دارای آموزه‌های اجتماعی اثرگذار بوده و بهمین دلیل نگاه سکولاریستی به این، چنان‌که معتقدین به مسیحیت باور دارند، در نگاه اسلامی مردود است. نکته سوم، اهمیت نگاه به اسلام از دید اسلام جمع‌نگر و پرهیز از نگاه جزئی و بخشی به آموزه‌های اسلامی است. چهارم اینکه، این تفاوت ملهوی با لسطوره در د از این روی، نگاه یکسان به این و لسطوره نیز نمی‌تواند تحلیلی صحیح از ملهیت یک انقلاب اجتماعی شیعی به دست دهد. با توجه به این نکات می‌توان دریافت که برخلاف باور لسکاچ‌پل، فرهنگ، این و ایدئولوژی، در هدایت انقلاب‌های اجتماعی نقشی فعال و پررنگ داشته و در انقلاب‌های اجتماعی شیعی، رهبری، از ابتدای انقلاب عمل اصلی و تعیین‌کننده به‌شمار می‌آید.

##### ۵. مبانی فلسفه اجتماعی

باور نویسنده به اصلت جمع و ساختارهای اجتماعی در مقابل اصلت فرد از یگر مبانی این نظریه است و در نهایت، ایشان را به قبول انکار نقش فرد و توهمها در تحولات اجتماعی وادار می‌سازد و نقش هرگونه فکر و اراده فرد را در تحقق انقلاب‌های اجتماعی انکار می‌کند. ایشان می‌گویند:

بمناظر من انقلاب‌های اجتماعی توسط نهضت‌های انقلابی حقیقی‌ی که در آنها یک‌رهبری ایدئولوژی حمایت‌توده‌ای را برای خلع ید از یکنظام موجود تحت

۱. ارشاد ۳۸۲: ۱، ۲۹۱. لسطوره در نگاه پستمدرن‌ها، طرز تلقی غیرمستدل و غیرعقلانی است.

عنوان یک‌جانشین جدید جلب‌کننده به‌نتیجه نرسیده‌اند؛ به‌خوبی روشن‌ست که رهبران انقلابی معمولاً تا هنگام فروپاشی یا اصلاً حضور نداشته‌اند و یا شخصیت سیلسی حلیه‌ای بوده‌اند. (لسکاچیل، ۳۷۹: ۱۸۷)

از این‌رو، آنچه در اندیشه لسکاچیل از اهمیت برخوردار است، نقش ساختارهای اجتماعی در تحریک‌آفرینی فرادجمعه‌ست و این تأثیر ساختارها بر فرادجمعه‌ست که به‌تحولات اجتماعی از جمله، انقلاب‌های اجتماعی رهنمون می‌سازد در باور ایشان انقلاب‌ها با اراده آگاهانه فراد ساخته نمی‌شوند، بلکه ساختارها و شرایط جمعه، در تحقق چنین انقلاب‌هایی نقش سلسی دارند آنچه باید در تحلیل و بررسی این مبنا بررسی شود این‌ست که مراد لسکاچیل از تأثیر ساختارها و شرایط اجتماعی چیست؟ آیا منظور ایشان این‌ست که از اجتماع‌آفرینسانی، مرکبی حقیقی، به‌نام «جمعه» و در پی آن، ساختارهای اجتماعی پدید می‌آید که آثار و خواصی دارد که در هیچ‌یک از آهیان مشاهده نمی‌شود به‌عبارت دیگر، در این صورت جمعه‌گرایی وحدتی، نه اعتباری، بلکه حقیقی‌ست که جدای از اراده فراد تشکیل‌دهنده آن، منشأ اثر نمی‌خورد بود اگر مراد لسکاچیل این‌ست که «جمعه»، قوانین و سنتی جدای از قوانین و سنت حاکم بر اعضای خود دارد و به‌عبارتی «نفس» و «من»، برای هر انسانی قابل‌ست و اعتقاد به نورح و هویت برای انسان دارند که یکی مربوط به اجتماع و گرایش‌های اجتماعی او و دیگری مربوط به شخص اوست، این سخن به‌طور کامل باطل‌ست؛ چراکه نفس آهی، موجودی بسیط بود که در عین بساطت، برای مرتب و شئون، قوا و نیروهای متعدد است. (مصباح‌یزی، ۳۸۰: ۸۰) از این‌رو، انسان به‌اجتماعی که به‌صورت قراردادی به آن وابسته‌ست، احساس‌تعلق داشته و سرنوشت آن‌را سرنوشت خود می‌داند به‌همین دلیل‌ست که اهلی لسکاچیل مبنی‌بر تأثیرات جمعه بر فراد به‌گونه‌ای که اختیار را از ایشان سلب کند را نمی‌توان پذیرفت؛ بلکه این اجتماع اراده فراد یک‌جمعه‌ست که می‌تواند در وقوع یک رخداد نقش‌آفرینی کند و ساختارهای جمعه به‌هیچ‌وجه از انسان به‌طور کامل نمی‌تواند سلب اختیار کند

۱. النَّفْسُ فِي وَحْدَتِهَا كُلُّ الْقُوَى.

## ۶. روش‌شناسی

روش‌شناسی یکی از مهم‌ترین مباحثی است که می‌توان نظریه‌ای را ارزیابی و نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی کرد. در علوم مختلف به‌شیوه‌های متفاوتی به‌کشف مجهول با ابتدای بمعلومات آن علم پرداخته می‌شود که البته میزان یقین به‌روشی بستگی دارد که پژوهش‌گر از آن بهره‌برده است و همه روش‌ها، انسان را به‌معرفت یقینی رهنمون نخواهد ساخت. روش‌شناسی اسلامی مبتنی بر روش قیلسی به‌شیوه تعظی یا تجربی است. اما نکته‌ای که وقت بیشتری را در روش‌شناسی علوم می‌طلبد، تفکیک «روش تجربی» از «روش لستقرایی» است. توجه نداشتن و تفکیک این دو روش، گلهی سبب خلط روشی شده است و «روش لستقرایی» که مبتنی بر حدس و گمان است، خود را جایگزین «روش تجربی» که مبتنی بر مجربات می‌باشد، کرده است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۱۰۹)

لسکاچیل در نظریه خود داز روش مطالعه تطبیقی - تاریخی بهره‌برده و به‌بررسی انقلاب‌های روسیه، فرانسه و چین می‌پردازد و علت انتخاب این سه کشور را وجود دیرخی اشتراکات در این جوامع برمی‌شمارد. درحقیقت، لسکاچیل به‌لحاظ نطه فکری الهه‌هنده نگرش ساختاری از نوع جدید آن یعنی نئومارکسیسم است. از این‌روی، نگرش ساختاری لسکاچیل با نگرش ساختاری مارکسیستی تفاوت‌هایی دارد. مارکسیسم ساختارگرا از نظر روش‌شناسی تحت‌تأثیر مکتب اصالت ساخت بود (ریتزر، ۱۳۸۲: ۲۵۵) و عمدتاً با ساخت اندیشه و زبان سر و کار داشت و به‌همین علت، در برابر مکتب اصالت ساخت در سنت آمریکایی - لسکاچیل در زمره این سنت جای دارد. قرار می‌گیرد در اصالت ساخت آمریکایی، دانشمندان اجتماعی به‌شیوه‌ای تجربی، توجه خود را بر رفتار و روابط فرادتمركز می‌کنند تا از آن راه، ساخت جمعه را دریابند. درحالی‌که در اصالت ساخت فرانسه، ساخت‌ها از روی زبان و اندیشه مردم است. (بشیریه، ۱۳۷۸: ۲۹۷ و ۲۹۸)

درباره روش‌شناسی نظریه مورد بررسی توجه به‌چند مطالب لازم است. اول اینکه، نظریه‌پرداز در تحقیق خویش از روش تطبیقی - تاریخی بهره‌برده و با مطالعه سه مورد روسیه، فرانسه و چین به‌این جمع‌بندی رسیده است. دوم اینکه، روش لسکاچیل در طرح این

نظریه روش‌لستقرای نقص‌لست که مبتنی بر حسیاتی‌لست که نویسنده بر اساس مطالعه چند‌مورد و مشاهده خصوصیات مشابه، بدان دست‌یافته‌لست. این روش‌فزون‌بر اینکه نمی‌تواند یقین‌آور و مورد اعتماد باشد، نخواهد توانست ملاکی کلی برای موارد مشابه ارائه دهد. مطلب سوم اینکه، روش لسکاچپل در این نظریه بر پایه‌لستقرای نقص‌لست که نباید این روش با روش مطالعه تجربی که مبتنی بر «مجرّبات»‌لست، یکسان انگاشته شود مطلب آخر اینکه، برخی نتایجی که از موارد مورد مطالعه خویش‌لستنتاج کرده‌لست، با تغییر روش‌شناسی نظریه به «روش تعظی» و یا «روش تجربی» نه‌تنها ضرورتاً چنین نتایجی به دست نخواهد آمد، بلکه کلیت به دست‌آمده را نیز دچار چالش خواهد کرد.

مسئله دیگری که لازم‌لست در مبنای روش‌شناختی به آن توجه شود این‌لست که بر ای تحلیل و ارائه هر نظریه‌ای، دست‌کم توجه به دو امر لازم‌لست. نخست، توجه به «بسترها» و زمینه‌هایی‌لست که شرایط وقوع رخدادی را فراهم می‌کند و دیگری این‌لست که در شکل‌گیری هر نظریه‌ای توجه به‌شرایط‌سیاسی - اجتماعی، سیستم حاکمیت موجود بحران‌ها و شورش‌های سیاسی و اجتماعی، شرایط اقتصادی و ... می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. این عوامل را می‌توان به‌عنوان عوامل ظهری و به‌اصطلاح «صورت»‌های یک‌رخداد فرض کرد. بنابراین وقتی یک نظریه می‌تواند از اتقان بیشتری برخوردار باشد که در طراحی آن به دو امر پیش‌گفته توجه شود در صورتی که یکی از این دو امر در مراحل مختلف شکل‌گیری نظریه، مورد غفلت واقع شود می‌تواند نظریه را آسیب‌پذیر کند.

به‌رغم اینکه لسکاچپل تلاش فراوانی در رستای تحقیق و تطبیق انقلاب‌های مورد بررسی انجام داده‌لست، اما تملی تحقیقات و توجهات او به‌مسائلی‌لست که در حکم روبندهای انفقات این جوامع به‌شمار می‌رود و در واقع، تنها به صورت مسایل موجود در آن جوامع پرداخته‌لست. البته شاید به دلیل تشابه مبنای و پیش‌فرض‌های موجود در جوامع مورد مطالعه، این نظریه قابل تطبیق بر آن جوامع بوده باشد، اما آنچه این نظریه را با چالش روبه‌رو کرده، توجه نداشتن نویسنده به‌بسترهای متفاوت فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، تاریخی و ...‌لست که در وقوع انقلاب ایران و نلسازگاری با این نظریه، آشکار شده‌لست.

## نتیجه

از مطالب پیش گفته و بررسی مبانی مقاله مور دبحث می توان به این نکات دست یافت:

۱. تفاوت در مبانی معرفت‌شناختی این نظریه که مبتنی بر مبانی انسجام‌گرای لیست با مبانی معرفت‌شناختی میناگرووی، موجب تفاوت در نتیجه نظریه شده است. با توجه به مبانی معرفت‌شناختی این نظریه نه تنها شرایط برای وقوع یک انقلاب در ایران سال ۱۳۵۷ شمسی فراهم نیست، بلکه تملی شرایط و ساختارها به نفع دستگاه حاکم است که این امر وقوع انقلاب را ناممکن می‌سازد این در حالی است که بر اساس مبانی معرفت‌شناختی میناگرووی، بر اساس مبانی اندیشه شیعی، به لیل وجودی و ندانستن جواز سکوت عالمان دینی بر ظلم ظلمانی و آموزه‌هایی همچون امر به معروف و جهاد و ... وقوع انقلاب اسلامی در ایران حتمی است.
۲. مبانی هستی‌شناختی ماده‌گرایانه این نظریه‌پرداز سبب شده است که به تملی رخدهای انقلاب تنها با دید مادی بنگر دو از تحلیل وقایع الهی انقلاب ایران عاجز باشد.
۳. درباره مبانی انسان‌شناختی این نظریه باید بیان داشت که تصور نظریه‌پرداز در مورد انسان، تصویری نادرست است. انسان‌ها نه تنها ابزارهای مکانیکی ساختارهای جمعه خویش نیستند، بلکه تحولات عظیم اجتماعی را می‌سازند.
۴. در مورد مبانی دین‌شناختی نیز توجه به این نکته لازم می‌آید که نگاه به اسلام می‌بایست نگلهی جمع‌نگر بوده و دانسته شود که حضور دین و آموزه‌های اجتماعی اسلام شیعی در تحقق انقلاب‌های اجتماعی نقشی فعال و اثرگذار دارد از این روی، برخلاف باور لسکاچپل نه تنها فرهنگ، دین و اینتولوژی در هدایت انقلاب‌ها نقشی پررنگ و فعال دارند، بلکه حضور رهبران دینی در انقلاب‌های شیعی از ارکان انقلاب به‌شمار رفته و از ابتدای نهضت نمایان است.
۵. دین‌شناسی نظریه‌پرداز مبانی اجتماعی بر اصلیت اجتماع در مقابل اصلیت فردی دموجب شده است که ایشان نقش فرد در تحقق انقلاب‌های اجتماعی را انکار کند؛ در حالی که بر اساس مبانی پیروفته‌شده اصلیت فردی، فرد در تحقق انقلاب‌های اجتماعی نقش فعال و پررنگ دارند.
۶. مبانی روش‌شناختی مطالعات علوم انسانی، روش تعقلی یا تجربی مبتنی بر بدیهیات

لست. از این روی، نگاه به انقلاب‌ها با ابتنای بر بدیهیاتی چون قبیح بودن ظلم و نیک انگاشتن عدالت، نتایجی متفاوت از نظریه لسکاچ‌پل را به دست می‌دهد. بر این اساس در هر جمله‌ای ظلم از حد فراتر رفته و بی‌عدالتی حاکم شو دزمینه‌های رخداد انقلاب فراهم خواهد شد. با توجه به این مطالب و تغییرات صورت گرفته در مبانی این نظریه بیان خواهیم داشت که اگر چه لسکاچ‌پل علاوه بر نفی ذهنیت هدفمند، عدم تأثیر مکتب، ایندولوژی و رهبری بر این جمله «وندل فیلیپس»<sup>۱</sup> که «انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند، بلکه آنها می‌آیند» تأکید داشت، ما معتقدیم که «انقلاب‌ها ساخته می‌شوند ولی آنها نمی‌آیند». نتیجه بحث آنکه در بررسی و مطالعه نظریه‌های علوم انسانی توجه به چند امر لازم است:

اول: مبانی و پیش‌فرض‌های نظریه‌پرداز در شکل‌گیری نظریه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنان‌که تفاوت این مبانی در مواردی موجب تغییر نظریه خواهد شد. دوم: با توجه به بسته‌هایی که یک نظریه در آن شکل گرفته و گاه مسئله یک جمله را حل کرده است، نمی‌توان حکم کلی به کارآمدی این نظریه در تملی جوامع داد. سوم: علوم انسانی به‌طور کلی و هر یک از شاخه‌های این علوم به‌طور خاص نیازمند به روش‌شناسی خاصی برای مطالعه و تحلیل هستند. از این روی، تدوین روش‌شناسی خاص هر علم به‌گونه‌ای که سازگار با زیست‌بوم و دین و فرهنگ هر جامعه باشد، ضروری است. البته منظور، دستی‌تملی روش‌ها و مبانی جوامع انسانی نیست و نگارنده تنها به‌ابتنای نظریات بر واقع‌گرایی معرفتی معتقد است و بر لزوم توجه به این مبنا در نظریات بومی و پیروی از روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی تأکید دارد.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ارشاد، محمدرضا، ۱۳۸۲، گستره اسطوره، تهران، مرکز نشر بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.

۱. Wendel Philips.

۴. اسکاچپل، تدا، ۱۳۷۶، *دولتها و انقلابهای اجتماعی*، ترجمه سیدمجید روئینتن، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.
۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹، «حکومت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، مندرج در: عبدالوهاب فراتی، *رهیافتهای نظری بر انقلاب اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف، چاپ دوم.
۶. بشیریه، حسین، ۱۳۷۸، *تاریخ اندیشههای سیاسی در قرن بیستم (اندیشههای مارکسیستی)*، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
۷. پارسانیا، حمید، ۱۳۸۶، *سنت، ایدئولوژی، علم*، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم.
۸. حسینزاده، محمد، ۱۳۸۵ الف، *مبانی معرفت دینی*، قم، مؤسسه امام خمینی، چاپ یازدهم.
۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵ ب، *درآمدی بر معرفتشناسی و مبانی معرفت دینی*، قم، مؤسسه امام خمینی، چاپ اول.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، *منشور مبانی نظام اسلامی*، بیجا، بی‌نا.
۱۱. ریتزر، جورج، ۱۳۸۲، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ هفتم.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۷، *شیعه (مجموعه مذاکرات با پرفسور هانری کربن)*، به‌کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
۱۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۴. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۷۹، *رهیافتهای نظری بر انقلاب اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف، چاپ دوم.
۱۵. محمدی، منوچهر، ۱۳۷۷، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم.



۱۶. \_\_\_\_\_ ، ۱۳۸۱ ، *انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها* ، قم ، دفتر نشر معارف ، چاپ سوم .
۱۷. مصباح یزدی ، محمدتقی ، ۱۳۸۰ ، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن* ، تهران ، سازمان تبلیغات اسلامی ، چاپ پنجم .
۱۸. \_\_\_\_\_ ، ۱۳۷۹ ، *آموزش فلسفه* ، تهران ، سازمان تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم .
۱۹. \_\_\_\_\_ ، ۱۳۸۸ ، *انسان‌شناسی* ، قم ، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام ، چاپ دوم .
۲۰. مطهری ، مرتضی ، ۱۳۷۸ ، *جامعه و تاریخ* ، قم ، انتشارات صدرا ، چاپ دوازدهم .
۲۱. ملکوتیان ، مصطفی ، ۱۳۷۶ ، *سیری در نظریه‌های انقلاب* ، تهران ، نشر قومس ، چاپ چهارم .





پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار